

## سخن سردبیر

### زبان و نگاه زنانه در آثار سیمین دانشور

نویسنده و مترجم نامدار دکتر سیمین دانشور، خالق آثار کم‌نظیر در ادبیات داستانی، در شامگاه هجدهم اسفندماه ۹۰ در سن ۹۰ سالگی دارفانی را وداع گفت. مجموعه داستان کوتاه او *آتش خاموش* (۱۳۲۷)، اولین مجموعه حرفه‌ای در ژانر داستان کوتاه غربی می‌باشد که زنی ایرانی رقم زده است. راهنمای او در نگارش رساله «علم الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم» فاطمه سیاح و بدیع‌الزمان فروزان فر بودند. خانم سیاح و صادق هدایت مشوق‌های او در داستان‌نویسی و الماس استینگر و فیل بریک، استادان دانشگاه استنفورد راهنمای او در نگارش داستان به زبان انگلیسی بودند. در سال ۱۳۴۸ یعنی هفتمین سال تدریس در دانشگاه تهران در رشته باستان‌شناسی و هنر، رمان برجسته *سوشون* را منتشر کرد که نخستین رمان فارسی به قلم یک زن ایرانی است. این اثر در شمار پرفروشترین رمانهای معاصر است که به ۱۷ زبان ترجمه شده است و برگردان انگلیسی آن عزاداران سیاوش<sup>۱</sup> (۱۳۶۹) نام دارد. رمانهای بعدی او عبارتند از *جزیره سرگردانی* ۱۳۷۲، *ساربان سرگردان* ۱۳۸۰ و آخرین رمان آسیب دیده او *در جستجوی کوه سرگردان* اثری است که در سال ۱۳۸۶ و قبل از انتشار نزد ناشر مفقود الاثر شد. ترجمه‌های این بانوی نامدار عبارتند از *سرباز شکلاتی* (برنارد شاور)، *دشمنان* (آنتون چخوف ۱۳۲۸)، *بنال وطن* (آلن بیتون)، *داغ ننگ* (ناتانیل هاتورن) و *ماه عسل آفتابی* از ریوسه کها‌کوتا گاودا و دیگران.

نگاه زنانه در ادبیات با مقوله فمینیسم تفاوت دارد زیرا نگاه زنانه هستی را به دو بخش مرد و زن تقسیم نمی‌کند و در عین حال از ستم مضاعف بر زن بی‌خبر نیست. در این نگاه، مرد به دلیل تنگناهای زندگی زن محکوم نمی‌شود، زیرا عامل اصلی تنگناها مناسبت‌های اجتماعی به شمار می‌آید. نگاه زنانه ظریفی را می‌بیند که مرد قادر به دیدن آنها نیست (ر.ک به نمایشنامه *جزئیات* اثر سوزان گلاسیل). جزئی‌نگری وجهی از زنانه‌نویسی است وجه دیگر آن، که نشانه سکوت است، حداقل‌گرایی در نوشتار است. پس نگاه زنانه، «نابرابریها» و نبود امکانات برای زن را در مقام مقایسه با مردان به ابزاری برای مردستیزی تبدیل نمی‌کند و لازمه محو مشکلات زنان را محو مردان نمی‌پندارد. «زبان زنانه» که با آراء نویسندگانی

## سخن سردبیر

چون لوس ایریگاری، جولیا کریستیوا، سوزان بوردیو و دیگران مرتبط است موضوع محوری فمینیسم شد ولی فمینیستهای افراطی موضوع نگاه و زبان زنانه را به امری درجه دوم تقلیل دادند. امروزه، نگاه و نوشتار زنانه اگرچه باور ندارد که زن و مرد به دلیل رنج مشترک مساویند ولی مدام در حال تغییر و تحول است: از مرکز زدائی، سیاست و معناگریزی گرفته تا ابداع ضمائر جنسی، استفاده از تکرار صدا برای القای حس جنسی زنانه و کاربرد ایماها و اصوات مبهم. نگاه زنانه در عین دفاع از شأن و منزلت زن در ادبیات، تقابل هستی زن و هستی مرد را حذف می‌کند در عوض بر «جهان و تفکر» زن تأکید می‌ورزد. بازتاب نگرانیها و تمایلات روحی و فیزیولوژیک زن را وارد متن می‌کند و صدالبته چنین نگاهی در قالب «نوشتار زنانه» موجودیت پیدا می‌کند. هلن سیکسو می‌گوید که نوشتار زنانه را نمی‌توان در قالب نظریه قانونمند کرد. بلکه می‌توان آن را تعریف کرد و شرح داد. ویرجینیا وولف بر این باور بود که زن برای انتقال نگاه خود به متن راهی دشوار را باید طی کند زیرا تفکر زن در مورد جنس خود، یا نوشتن خشمگینانه، به دلیل جنسیت، موجب تضعیف یا حتی نابودی اثر می‌شود. چاره کار شیوه نوشتار دو شخصیتی است زیرا جایگاه زن و مرد در حد ثنویت و دوآلیسم در عرصه پاکی و هرزگی، بدی و خوبی، مقاومت و سوسوسه، روح و جسم، معنویات و مادیات خلاصه نمی‌شود بلکه ارتباطی است پیچیده، ارگانیک و دیالکتیکی، همبسته و متأثر از همدیگر و نیز در حال تغییر مستمر.

در پیام تسلیت این دانشکده بمناسبت درگذشت سیمین دانشور آمده است: «بانوی بزرگ ادبیات داستانی ایران خانم سیمین دانشور سالیانی ممتد در راستای تعالی تبار انسان قلم زد و روایت‌هایی ماندگار از زندگی ما به یادگار نهاد. روانش شاد و یادش گرامی باد.» بی‌تردید پیام آن بانوی بزرگ هم به ما اینست که «فانظروا بعدنا الی الاثار.» جای آن دارد که خوانندگان گرامی را به مطالعه دو مقاله ارجمند در ارتباط با زبان و نگاه زنانه دعوت کنیم:

الف- «تحلیل عوامل کنشی در رمان سووشون برمبنای نظریه کنشگران گرماس» (حیدری جامع بزرگی، اولیایی‌نیا و نصراصفهانی) و ب- «خوانش داستان گزارش‌گیری براساس نظرات ایریگاری» (شریف و احمدزاده).

«جلال سنور»

<sup>1</sup> Mourners of Syavash